

دسته‌بندی کرده بود و با اتکاء به همین منطق در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد. از نظرگاه آمریکا برنامه هسته‌ای ایران نه یک «امر حقوقی و فنی» بلکه یک «امر سیاسی-امنیتی» است. آمریکا فراتر از پذیرش یا عدم‌پذیرش حق غنی‌سازی و یا تعداد و نوع سانتریفیوژها، صرف وجود برنامه هسته‌ای ایران را کوششی برای برهم‌زدن توازن قدرت و نظم امنیتی منطقه خاورمیانه می‌داند. تفسیر یک موضوع در مقام امر سیاسی-امنیتی به آن معناست که نمی‌توان آن را از مسیر مبانی حقوقی و فنی حل و فصل کرد. از آنجایی که مصالحه بر سر یک امر سیاسی-امنیتی می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری داشته باشد، دولت‌ها همواره با در نظر داشت «بدترین سناریوی ممکن»^۱ با آن بر خورد می‌کنند. با در نظرداشت این منطق، نمی‌توان «عدم‌قطعیّت»^۲ را در یک امر سیاسی-امنیتی از مسیر توافق و مذاکره به طور کلی رفع کرد. توافق با هر توان و قدرتی نمی‌تواند تهدید را نابود سازد. به بیانی دیگر هر توافقی بر سر امری مهم- و پراهمیت همچون قدرت هسته‌ای می‌تواند بستری برای منازعات آتی باشد. همانطور که برجام در حل اختلافات ایران و آمریکا ناتوان بود و خود به بستری برای تضادهای بعدی تبدیل شد. از این نظرگاه، حتی با حصول توافق نمی‌توان به حل اختلاف هسته‌ای ایران و آمریکا امیدوار بود، چراکه عدم‌قطعیّت حاکم بر این توافق، می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات و منازعات آتی باشد. بدین‌سان آمریکا حل اختلافات با ایران را تنها از مسیر برچیدن کامل برنامه هسته‌ای و یا در نهایت عدم‌پذیرش حق غنی‌سازی در داخل ممکن می‌داند.

در مقابل ایران به اختلاف هسته‌ای با آمریکا از منطقی حقوقی و فنی می‌نگرد. از نظرگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران، تهران به سبب عضویت در معاهده منع اشاعه (NPT) حق برخورداری از برنامه هسته‌ای و غنی‌سازی برای مصارف غیرنظامی را دارد. از آنجایی که برنامه هسته‌ای ایران تحت نظارت آژانس بین‌المللی هسته‌ای انجام می‌شود، هیچ کشوری نمی‌تواند تهران را از حق داشتن این برنامه و غنی‌سازی محروم سازد. وجود برخی موارد محل اختلاف با آژانس، موضوعاتی حقوقی و فنی است که از مسیر مذاکره امکان مصالحه بر سر آنها وجود دارد. ایران، برنامه هسته‌ای را بخشی از دکرترین نظامی خود نمی‌داند و شکل دهی به نظم امنیتی منطقه‌ای مطلوب خود را از مسیرهای دیگری دنبال می‌کند. به بیانی دیگر بر خلاف آمریکا و متحدان این کشور، ایران بین توان هسته‌ای، برنامه موشکی و حمایت از گروه‌های نیابتی در منطقه پیوندی برقرار نمی‌کند. جمهوری اسلامی ایران به مانند هر دولت دیگری در منطقه برای مقابله با تهدیدات بر توان نظامی (موشکی) سرمایه‌گذاری و به ائتلاف‌هایی نیز شکل داده است اما این دو ستون نظم امنیتی، پیوندی با برنامه هسته‌ای تهران ندارد. ایران برنامه هسته‌ای خود را به عنوان امری مستقل از موضوعات امنیتی و نظامی تعریف می‌کند. از این‌منظر، برای حل اختلافات، تنها باید به ابعاد فنی و حقوقی برنامه هسته‌ای ایران پرداخته شود.

تأملی در منطق استدلال دو طرف که در بالا بدان اشاره شد نشان می‌دهد که تا چه حد ایران و آمریکا بر سر ماهیت برنامه هسته‌ای تهران با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند. به نظر می‌رسد این تضاد بنیادین در منطق دو سوی اختلاف از مسیر پرداختن به ابعاد فنی و حقوقی قابل حل نیست. اگر برای حل اختلاف تنها بر ابعاد حقوقی و فنی تمرکز شود امکان دستیابی به یک توافق جامع و پایدار ناممکن است. البته گاه عواملی دیگر همچون فقدان یا هزینه‌زا بودن راه‌حل‌های جایگزین ممکن است دو طرف را به انجام یک توافق سوق دهد اما بی‌تردید چنین توافقی پایدار نخواهد بود. به نظر می‌رسد یافتن مسیری برای دستیابی به یک توافق جامع و پایدار نیازمند آن است که آمریکا و ایران هرکدام چشم‌انداز خود به اختلاف هسته‌ای را تغییر دهند. یا واشنگتن باید بپذیرد که برنامه هسته‌ای ایران تنها برای رفع نیازهای غیرنظامی طراحی شده است و رهبران این کشور هیچ اراده‌ای برای تولید سلاح هسته‌ای ندارند یا جمهوری اسلامی ایران باید بپذیرد که از مجرای تأکید بر ابعاد حقوقی و فنی نمی‌تواند نگرانی‌های امنیتی آمریکا و متحدان را رفع کند و بنابراین باید برای دستیابی به یک درک امنیتی مشترک تغییراتی را در سیاست‌های خود اعمال کند. در فقدان چنین تغییری، اختلاف هسته‌ای ایران و آمریکا از مسیر مذاکره حل نخواهد شد و دو طرف باید برای راه‌حل‌های دیگری تلاش کنند.

پی‌نوشت‌ها:

- Shift Paradigm
- David Albright
- Institute for Science and International Security
- incommensurablele
- dialogue of deaf
- Middle East Regional Security Order
- nuclear threshold state
- rogue state
- worst case scenario
- uncertainty

تضاد بنیادین در منطق دو سوی اختلاف از مسیر پرداختن به ابعاد فنی و حقوقی قابل حل نیست. اگر برای حل اختلاف تنها بر ابعاد حقوقی و فنی تمرکز شود امکان دستیابی به یک توافق جامع و پایدار ناممکن است. البته گاه عواملی دیگر همچون فقدان یا هزینه‌زا بودن راه‌حل‌های جایگزین ممکن است دو طرف را به انجام یک توافق سوق دهد اما بی‌تردید چنین توافقی پایدار نخواهد بود. به نظر می‌رسد یافتن مسیری برای توافق جامع و پایدار نیازمند آن است که آمریکا و ایران هرکدام چشم‌انداز خود به اختلاف هسته‌ای را تغییر دهند

دوشنبه ۵ خرداد۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۷۹۵
www.hammihanonline.ir

دوشنبه ۵ خرداد۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۷۹۵
www.hammihanonline.ir

نگاه تحلیلیگر RS

«اول آمریکا» خواهان توافق با ایران است

بی‌توجهی ترامپ به مخالفان توافق با ایران، هزینه‌سیاسی زیادی برایش ایجاد نمی‌کند



بن آرم پروستر
دبیر تحریریه
رئیس‌اسپیل استیث‌کرفت

نتونکان‌هاومتحدان‌شان درواشنگتن، اسرانیل و دیگر کشورها درخواست‌های غیرواقع‌بینانه‌ای درباره نتایج گفت‌وگوهای ایران و آمریکا ومیزان محدودکردن برنامه هسته‌ای ایران، مطرح می‌کنند اما به هیچ عنوان دلیلی ندارد که دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا به آنها گوش بدهد. ترامپ نباید این جریانات را جدی بگیرد. کمپین بر ضد توافق با ایران، هفته گذشته کلید خورد. هفته گذشته جمهوری خواهان در کنگره آمریکا نامه‌ای به کاخ سفید ارسال کردند و از ترامپ خواستند تا با هر توافقی که شامل برچیده‌شدن کامل برنامه هسته‌ای ایران نباشد، مخالفت کنند. اندرو دی، سردبیر ارشد نشریه American Conservative، می‌گوید: «همه جمهوری خواهان در کنگره به غیر از سناتور رند پاول، این نامه را امضا کرده و از ترامپ خواسته‌اند تا برای متوقف کردن کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران، فشار بیاورد. آنها می‌دانند که درخواست‌شان برای ایران غیرقابل قبول است و اتفاقاً به همین دلیل این درخواست را مطرح کرده‌اند تا با مخالفت ایران، تمامی تلاش‌های دیپلماتیک دولت ترامپ برای توافق با ایران را تخریب کنند.» سینا طوسی، پژوهشگر غیرمقیم مرکز سیاست بین الملل در خواست‌های مطرح‌شده در این نامه را «یک داروی سمی» توصیف کرده است. او می‌گوید: «درخواست برای غنی‌سازی صفر در ایران، تحمیل محدودیت‌های دائمی و برچیدن کامل زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، آن‌هم بعد از اینکه آمریکا قبلاً از برجام خارج شده، به‌هیچ‌عنوان موضعی نیست که یک مذاکره‌کننده بتواند مطرح کند.»

در عین حال، مخالفان دیگر توافق با ایران معتقدند که ایران می‌تواند تاسیسات هسته‌ای خود را برای تولید انرژی حفظ کند اما شرطش این است که اجازه نداشته باشد خودشان دست به غنی‌سازی اورانیوم بزنند. البته خبر خوب برای ترامپ و آنها که فرصت را برای توافق هسته‌ای با ایران و جلوگیری از بروز جنگ مناسب می‌بینند این است که ائتلاف مخالفان توافق با ایران، در بیرون از واشنگتن و اسرائیل، هیچ جایگاهی ندارند و اگر ترامپ بخواهد به آنها بی‌توجهی کند، مجبور نیست بهای سنگینی بپردازد. برای مثال نتایج یک نظرسنجی که اخیراً توسط SSRS Opinion Panel Omnibus و با مشارکت برنامه نظرسنجی دانشگاه مرلند انجام شده بسیار گویا است. در این نظرسنجی مشخص شده که اکثریت بزرگی از مردم آمریکا (حدود ۶۹ درصد) از توافقی که برنامه هسته‌ای ایران را در چارچوب صلح‌آمیز محدود می‌کند و بر آن نظارت دارد، موافق هستند. این افراد این گزینه را به درگیری نظامی با ایران ترجیح می‌دهند. اما شاید مهمترین از آنکه بشود گفت به نوعی سرمایه سیاسی ترامپ به حساب می‌آید این است که ۶۴ درصد از جمهوری خواهان که پایگاه رای ترامپ هستند نیز با توافق با ایران موافق‌اند.

مخالفان دیپلماسی با ایران سعی دارند این حقایق را خدشه‌دار کنند و عرصه سیاسی آمریکا را به مردابی گل آلود تبدیل کنند. برای مثال، مارک دوبووینز، مدیرعامل بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها که روابط نزدیکی با اسرائیل دارد و نزدیک به دودهه است که همواره از ایده تغییر رژیم در ایران دفاع کرده، نظرسنجی‌ای انجام داد و اعلام کرد که ۷۶ درصد از مردم آمریکا معتقدند که تاسیسات هسته‌ای ایران باید نابود شود. نکته‌ای که باید پس از خواندن این خبر متذکر شد این است که ایران نه سلاح هسته‌ای دارد و نه برنامه هسته‌ای تسلیحاتی و در نتیجه هیچ تاسیسات هسته‌ای نظامی نیز ندارد. این واقعیتی است که حتی جامعه اطلاعاتی آمریکا مدام بر صحت آن تأکید کرده و مکرر منتشر کرده است.

تنها مردم آمریکا و پایگاه رای جمهوری خواهان نیستند که از توافق دولت ترامپ با ایران حمایت می‌کنند. برخی از مهمترین چهره‌های جنبش «اول آمریکا» نیز از رویکرد دیپلماتیک ترامپ در قبال ایران حمایت می‌کنند. استیونن، از چهره‌های مشهور جنبش «اول آمریکا» با اشاره به نظرسنجی دانشگاه مرلند می‌گوید: «این یعنی کاری عقلانی در جریان است». استیونن در دور اول ریاست جمهوری ترامپ مشاور ارشد سیاسی ترامپ بود و هنوز هم در حلقه چهره‌های نزدیک به ترامپ از نفوذ زیادی برخوردار است و حامیانی دارد.

مارجوری تیلور گرینف سناتور جمهوری خواه که رابطه بسیار نزدیکی با پایگاه رای ترامپ دارد، در هفته‌های اخیر به مخالفت با اقدام نظامی علیه ایران سخن گفته است. او گفته است: «در خصوص ایران هیچ اختلافی بین ترامپ و پایگاه رای او وجود ندارد. اختلاف میان کنگره و سناختر جمهوری خواهان است که دستور کار رئیس جمهور را با مشکل

تاکر کارلسون، ستاره رسانه‌ای جناح محافظه‌کاران

که مانند استیونن، روابط نزدیکی با کمپ ترامپ دارد و تأثیرگذاری زیادی نیز بر جمع حامیان ترامپ دارد از نتونکان‌ها و دیگر مخالفان، به دلیل تلاش برای از میان بردن رویکرد دیپلماتیک دولت ترامپ در قبال ایران و تبلیغ اقدام نظامی، انتقاد کرده است.» او ماه گذشته گفت: «اگر جنگی رخ دهد، هزاران آمریکایی خواهند مرد و ما این جنگ را خواهیم باخت. هیچ چیزی بیشتر از این نمی‌تواند برای کشور ما ویرانگر باشد. هر کسی که ایده جنگ با ایران را تبلیغ می‌کند، متحد ایالات متحده نیست بلکه دشمن ایالات متحده است.»

چارلی کرک، پادکستر محبوب راستگرا نیز نظرات مشابهی دارد. او اخیراً گفته است که افرادی در واشنگتن و در وزارت دفاع و در درون دولت آمریکا هستند که می‌خواهند یک حمله نظامی به ایران ترتیب دهند. آنها اغلب می‌گویند این کار خیلی آسان است. فقط یک حمله می‌کنیم و تمام. اگر کمی دقت کنیم باید از خودمان بپرسیم این افراد در گذشته چقدر درباره چنین موضوعاتی درست می‌گفته‌اند. آیا واقعاً باید به حرف این افراد توجه کرد؟ دونالد ترامپ قدرت خود را در کمپ جمهوری خواهان به در جات زیادی تثبیت کرده است و این قدرت را دارد که بدون پرداخت هزینه سیاسی، توافق با ایران را امضا کند. کمپ جمهوری خواهان هنوز ترامپ را دوست دارد و قانونگذاران و رسانه‌های محافظه‌کار از او می‌ترسند. اگر جنبش «اول آمریکا» تشری به آنها بزند، همه پشت سر ترامپ به خط خواهند شد.»

رایان کاستلو، مدیر برنامه‌ریزی سیاسی موسسه نایاک، با این نظر موافق است. او می‌گوید: «اگر سیاست خارجی ترامپ در تضاد با دیدگاه‌های بی‌اعتبار جناح بوش-چنی نبود، امکان نداشت که یک ترامپ برای بار دوم به ریاست جمهوری برسد. ترامپ دوره پیش پیش‌رویش دارد. با ایران توافق کند و یا اینکه با پیگیری درخواست‌های غیرمنطقی و عدم انعطاف، خود و دولتش را به سمت جنگ هُل بدهد. اما اکثر آمریکایی‌ها از او می‌خواهند که دیپلماسی را در پیش بگیرد.»

در عین حال بعید به نظر می‌رسد که دموکرات‌ها که بیشترشان از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ دولت اوباما با ایران حمایت کرده بودند، سعی کنند تا به لحاظ سیاسی توافق ترامپ با ایران را با اخلال مواجه کنند. سناتور روکانا، نماینده ایالت کالیفرنیا در حوزه سیاست خارجی نظراتش در مجلس نمایندگان مورد توجه قرار گرفته است که می‌گوید: «حالا وقت بازی‌های سیاسی در قبال تهران نیست. من از تلاش دولت ترامپ برای توافق با ایران حمایت می‌کنم. من از توافق دولت اوباما با ایران هم حمایت کردم. باید منافع ملت‌مان و صلح را فراتر از بازی‌های سیاسی قرار دهیم.»

و آنچه که چندان به آن توجه نمی‌شود اما بسیار مهم است این است که قدرت‌های مطرح منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی که در سال ۲۰۱۵ به شدت با توافق با ایران مخالف بودند، آنها دیدگاه‌شان را تغییر داده و از توافق دولت ترامپ با ایران حمایت می‌کنند. علی واعظ، تحلیلگر ارشد گروه بحران می‌گوید: «هبران کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، کاملاً از گفت‌وگوهای دولت ترامپ با ایران حمایت می‌کنند چراکه تمایلی ندارند در یک درگیری احتمالی بین ایران و آمریکا گرفتار شوند و اگر مذاکرات ایران و آمریکا شکست بخورد، وقوع چنین سناریویی محتمل است. حمایت اعراب لزوماً به معنای به موفقیت رسیدن مذاکرات نیست بلکه یک چرخش کاملاً متواضع نسبت به مواضع‌شان در سال ۲۰۱۵ است.»

مهمتر اینکه ترامپ می‌تواند به توافقی با ایران برسد که طبق آن برنامه هسته‌ای ایران محدود شده، رژیم بازرسی‌ها افزایش یابد و این توافق اهداف مطرح شده از سوی او در خصوص ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را محقق خواهد کرد. بنابراین نیازی به اصرار بر غنی‌سازی صفر در ایران و یا برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران نیست. کلسی داوینپورت، از کارشناسان مطرح انجمن کنترل تسلیحات در این خصوص می‌نویسد: «موضع سرسختانه غنی‌سازی صفر نه‌تنها ایران را از میز مذاکره خارج می‌کند بلکه باید گفت که این درخواست لزوماً پیش‌نیاز یک توافق مؤثر نیست و اینطور نیست که خطر اشاعه برنامه هسته‌ای ایران را از میان ببرد. برچیدن تاسیسات هسته‌ای ایران دانش هسته‌ای ایران و توان علمی غنی‌سازی اورانیوم در ایران را از بین نمی‌برد.»

داوینپورت در نهایت اینطور نتیجه می‌گیرد که «ایالات متحده می‌تواند ترکیبی از محدودیت‌ها و نظارت‌ها را بر برنامه هسته‌ای ایران اعمال کند تا مسیر برنامه هسته‌ای ایران برای رسیدن به سلاح هسته‌ای را سد کرده و در عین حال به ایران اجازه دهد تا در سطوح کم‌خطر و پائین، غنی‌سازی اورانیوم داشته باشد.»

دیپلمات‌ها



واکنش سخت به مکانیسم ماشه

ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، در توضیح جلسه یکشنبه ۴ خردادماه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی که با حضور سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه برگزار شد، به خبرنگاران گفت: «عراقچی در این جلسه گزارشی از مذاکرات غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا و دور پنجم مذاکرات به اعضای کمیسیون ارائه داد.» وی افزود: «وزیر امور خارجه تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران تحت فشار مذاکره نمی‌کند و دیپلماسی ما به‌صورت هوشمندانه و صرفاً در موضوع هسته‌ای ادامه دارد، چراکه سیاست جمهوری اسلامی ایران روشن است و تحت فشار، تهدید یا تطمیع قرار نمی‌گیرد.» سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس خاطرنشان کرد: «وزیر امور خارجه همچنین به مخالفت رژیم صهیونیستی با غنی‌سازی اورانیوم در داخل ایران اشاره کرد و گفت که در صورت وقوع جنگ در منطقه، تمامی کشورها آسیب خواهند دید و کل منطقه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.» رضایی اضافه کرد: «عراقچی به پیشنهاداتی که در مذاکرات مطرح شده اشاره کرد و گفت که ما از راه‌اندازی مرکز غنی‌سازی منطقه‌ای استقبال می‌کنیم، اما غنی‌سازی در داخل کشور باید ادامه یابد.» وی با بیان اینکه طبق گفته‌وزیر امور خارجه، جمهوری اسلامی ایران هیچگاه میز مذاکره را ترک نکرده و دیپلماسی را ادامه می‌دهد، گفت: «همچنین وزیر امور خارجه کشورمان در پاسخ به برخی تهدیدها درباره فعال شدن مکانیسم اسنپک و مکانیسم ماشه گفت که اگر این مکانیسم فعال شود، واکنش ما سخت خواهد بود.»



هیئت بلندپایه پاکستان در تهران

معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور خبر داد که مسعود پزشکیان روز دوشنبه ۵ خرداد میزبان نخست‌وزیر پاکستان خواهد بود. به گزارش ایسنا، پیام مهدی سنایی، معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دکتر پزشکیان فردا میزبان شهباز شریف نخست‌وزیر کشور دوست و همسایه پاکستان است که با هیئتی بلندپایه وارد تهران می‌شود. میان دو کشور پیوندهای تاریخی – فرهنگی عمیقی هست و حجم مبادلات فی‌مابین در سال ۱۴۰۳ بیش از ۳میلیارد دلار بوده است. دو کشور در زمینه حفظ ثبات در منطقه رایزنی پیوسته دارند.»



تاریخ مذاکرات مشخص نشده‌است

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سوال خبرنگار ایرنا در مورد خبر منتشرشده از رسانه‌ها راجع به دور بعدی مذاکرات غیرمستقیم ایران-آمریکا، گفت: «تاریخ دور بعدی مذاکرات هنوز تعیین نشده است.» بقایی در رابطه با تأیید منتسب به وزارت خارجه عمان در این خصوص، تصریح کرد که تأیید مزبور ساختگی است و صحت ندارد. برخی رسانه‌ها در روزهای گذشته و با استناد به خبرهای جعلی، اقدام به اعلام زمان و مکان دور ششم مذاکرات ایران و آمریکا کرده بودند. در برخی رسانه‌ها نقل قولی به‌وزیر خارجه عمان منتسب شده و چهارشنبه هفته جاری با هفته آینده به عنوان تاریخ دور بعدی مذاکرات در مسقط مطرح شده‌بود.